



«نفع» به معنای کمالات فردی و اجتماعی است/آموزه های دینی ما را از نفع شخصی برحذر می دارد

یک عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع) با بیان اینکه «نفع» فی حد نفسه امری مطلوب و پسندیده است و به معنای کمالات فردی و اجتماعی است...

یک عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع) با بیان اینکه «نفع» فی حد نفسه امری مطلوب و پسندیده است و به معنای کمالات فردی و اجتماعی است، گفت: انحصار نفع در نفع مادی یا شخصی چندان مورد توجه نیست. آفتیابی در این نوع نگرش وجود دارد که آموزه های دینی ما را از آنها برحذر می کند. دکتر رضا محمدزاده، عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع) در گفتگو با خبرنگار مهر در مورد نفع فردی و اجتماعی از دیدگاه اسلام سخنانی را بیان کرد که اکنون از نظر شما می گذرد.

«منفعت»، به معنای کامل و جامع کلمه از مواردی است که در آموزه های دین مقدس اسلام مورد توجه قرار گرفته است. «نفع» فی حد نفسه امری مطلوب و پسندیده است و به همین جهت در نزد انسانها «نفع»، مطلوبیت و موضوعیت دارد. در آموزه های ادیان الهی هم نفع مهم است، منتها همان طور که عرض کردم مراد ما از معنای واژه نفع، معنای جامع است که در این معنای جامع، کمالات فردی و اجتماعی توجه می شود و آن چیزی مقتضی نفع است که هم بتواند ابعاد کمالی انسان را تأمین کند و هم بتواند رابطه افراد انسان با یکدیگر را تضعیف کند و نهایتاً منجر به تأمین اهدافی شود که از ناحیه خلقت انسانها و شکل گرفتن جوامع انسانی وجود دارد.

نفع به معنای ناقص کلمه و یا انحصار آن در نفع مادی یا شخصی چندان مورد توجه نیست یعنی هم فطرت انسانها به آن چندان اقبال ندارد و هم اینکه آفتیابی در این نوع نگرش وجود دارد که آموزه های دینی ما را از آنها برحذر می کند مثلاً فرض کنید منجر به خودمحموری، نوعی استکبار، تکبر، تک روی و مواردی از این قبیل می شود که نهایتاً نتیجه ای جز زیر پا گذاشتن حقوق دیگران و به هم زدن ارکان شکل گیری جوامع بشری یا مخدوش کردن و زایل کردن مجتمعات و اجتماعات انسانی ندارد. به هر حال چون بسیاری از کمالات انسانی در جامعه بروز و ظهور پیدا می کند و به مرحله فعلیت می رسد با زایل شدن و از بین رفتن جوامع بشری یا مخدوش شدن جوامع بشری آن کمالات هم مورد اشکال، زوال، نقص، خطر و تهدید قرار می گیرد.

این مطلب باعث می شود زمانی که راجع به نفع صحبت می کنیم نفع شخصی آدمها را زمانی مطلوب بدانیم که با نفع اجتماعی انسانها و در مسیری که خداوند متعال و ادیان الهی برای ما ترسیم کردند در یک مسیر باشد به شکلی که نهایتاً منجر به نتیجه مثبت در ارزیابی ها و آزمونهای الهی در مورد جوامع بشری شود به این معنا نفع کاملاً قابل توجه است اما اگر نفع نفع خودمحورانه و استکبارانه و تأمین کننده منافع فردی یا حزبی خاصی باشد که در مسیر تعیین شده توسط دین الهی و کتاب شریف نباشد این نفع ارزش و نقطه مثبت به شمار نمی آید، بلکه ضد ارزش به حساب می آید.

جالب این است زمانی که به منابع دینی مراجعه می کنیم به خوبی این حقیقت مشخص می شود که هم مقتضای عقل است و هم به تجربه در طول تاریخ برای انسانها حاصل شده و ملاحظه می کنید بسیاری از متفکران و نویسندگان که در حوزه مباحث انسان شناسی قلم می زنند بر روی همین نکته ای که اشاره شد بسیار تأکید می کنند در آموزه های دینی هم خیلی روی این مطلب تکیه شده است. مواردی را عرض می کنم که خوانندگان روی آن تأمل کنند تا حقیقتی را که اشاره شد از خلال این مثالها بتوان درک کرد. روایتی داریم از پیامبر اسلام(ص) که روزی از ایشان سؤال شد چه کسی محبوبترین انسانها نزد خداوند است؟ حضرت پاسخ دادند کسی که نفع اش برای مردم بیشتر از دیگران باشد. هرکسی که نفع اش برای مردم بیشتر باشد دوست داشتنی ترین مخلوقات نزد خداوند است. یا در جای دیگر حضرت می فرمایند: بهترین مردم کسی است که نفع اش بیشتر به مردم برسد. باز حضرت در جای دیگر فرمود: مخلوقات خانواده خداوند هستند که خداوند سرپرستی آنها را به عهده دارد و دوست داشتنی ترین انسانها کسی است که نفع اش بیشتر به خانواده خداوند متعال برسد.

حضرت امیر(ع) در غرالحکم می فرمایند: برترین انسانها، کسی است که خیر و نفع اش بیشتر به دیگران رسیده است. در طول تاریخ، نزد فیلسوفان و بزرگان اندیشه و تفکر این سؤال مطرح بوده است که ملاک برتری انسانها بر همدیگر چیست؟ آیا این ملاک، ملاک مادی است یا ملاک نژادی است. آیا این ملاک، ملاک زبانی است و همین طور در این خصوص دیدگاه های مختلفی وجود دارد که در آئین مقدس اسلام مواردی ذکر شده است که ملاک برتری انسانها را نسبت به همدیگر نشان می دهد. در آیه شریفه داریم ملاک برتری تقواست. یکی از موارد برتری، تقواست. در این عبارتها دقت کنید در هیچ یک از این عبارتها نیامده است که برترین مردم کسی است که نفع اش بیشتر به مؤمنین یا مسلمین می رسد بلکه فرمودند برترین مردم کسی است که نفع اش به انسانها برسد که ممکن است این انسانها مسلمان باشند یا مسیحی باشند. به هر دین و آئینی که تعلق داشته باشند یا به هر جهت سیاسی، اجتماعی و ... مربوط باشند انسان کاری کند که نفع اش متوجه آنها شود و باز هم

این نکته را عنایت می کنید که نفع و سود وقتی که شامل حال دیگران می شود معنایش این نیست که دیگران بفهمند چیزی که دارد شامل حال آنها می شود نفع و سود است. ملاک نفع دیدن این نیست که دیگران فکر کنند کاری که ما برایشان انجام می دهیم خوب است چون گاهی اوقات ما برای دیگران کاری را انجام می دهیم که واقعا برایش خوب و مناسب است و به او نفع می رساند اما خودش این اعتقاد را ندارد و متوجه این خصوصیت نفع و بهره در کاری که ما برایش انجام دادیم نیست. ممکن است سؤال شود اگر ملاک نفع بودن تشخیص مخاطب نیست آیا ملاک نفع بودن تشخیص خود ماست؟ در بعضی موارد بله! ولی به نظرم می رسد ما که در جامعه اسلامی زندگی می کنیم و مبنای فکری ما این است که علم و تشخیص حقیقی از ناحیه خداوند صورت می گیرد باید نگاه کنیم در روابط اجتماعی و در خصوصیات انسانی آنچه که خدای متعال، پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(ع) می فرمایند و نفع به حساب می آید، چیست؟ تا ما بر مبنای آن حرکت و تلاش کنیم و البته گاهی از این جهت نفع رساندن به دیگران برای ما دشواری ها و سختی هایی را پدید می آورد.

من باب مثال یکی از احکام مناسب که در آموزه های دین اسلام وجود دارد امر به معروف و نهی از منکر است. قاعدتا در جایی که ما می خواهیم این کار بزرگ را انجام دهیم با مخاطبینی مواجه هستیم که نفع و بهره و سود حقیقی که از ناحیه این عملیاتی که موسوم به امر به معروف و نهی از منکر است را تشخیص نمی دهند و گاهی اوقات به آنها بر می خورد ولی اگر ما به روش صحیح آن طور که در آموزه های دینی و فقه اسلام آمده است، امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهیم و در امر به معروف و نهی از منکر پیش از آنکه خودمان اقدام به امر به معروف و نهی از منکر کنیم خودمان متخلق به خلق الهی باشیم و رفتارهای خود را اصلاح کنیم قاعدتا آن چیزی که عاید جامعه می شود از ناحیه اجرای این احکام شریف چیزی جز نفع مجموعه انسانها نیست. به این ترتیب ما می توانیم کاری کنیم که در کشتی جامعه که افراد بر آن سوار هستند با اجرای احکام امر به معروف و نهی از منکر اجازه ندهیم کسانی این کشتی را بدون آگاهی سوراخ کنند و موجب غرق و زوال افراد جامعه شوند و از این ناحیه لطمه به مجموعه افراد جامعه بزنند.

نکته آخری که در این رابطه می خواهم عرض کنم این است زمانی که ما به دیگران نفع می رسانیم در واقع به خودمان هم نفع می رسانیم. ما انسانها دارای دو خویشتن هستیم؛ یک خویشتن انحصاری و یک خویشتن اجتماعی داریم. ما هویتی داریم که در جامعه شکل می گیرد زمانی که به کمالات جامعه توجه و سعی می کنیم آنها را قوی تر کنیم در واقع خویشتن اجتماعی خود را هم داریم رشد و کمال می دهیم. بنابراین انسانها هیچ وقت نباید ناراحت شوند از اینکه همیشه نفع و بهره وجودی شان به دیگران برسد چون با رساندن نفع به دیگران در واقع به خودمان لطف می کنیم و زمینه های فعلیت بسیاری از کمالات ما که در جامعه شکل می گیرد را فراهم می کنیم. این دید وسیعی است که اسلام به ما می دهد و اگر بر مبنای همین در ابعاد مختلف اجتماعی سیاسی و فرهنگی برخورد کنیم از جامعه ای برخوردار می شویم که مثالش، درختی است که شاخه های بسیار وسیعی دارد و همه شاخه ها دارای میوه های مناسبی است اگر ما این کار را انجام ندهیم درخت جامعه درست شکل نمی گیرد و بهره نمی دهد و ثمره درستی را که باید داشته باشد از آن برخوردار نخواهد شد. اگر تنها به نفع شخصی یا حزبی توجه کنیم این درخت، درخت ناهنجاری می شود که در برخی از شاخه هایش میوه ها خیلی رشد می کند اما سایر قسمتها از رشد لازم برخوردار نیست و چنین درختی محبوب هیچ باغبان و کشاورزی هم نیست.

حال اگر این نتیجه را با برخی از مکاتب فکری که در خصوص اصالت منفعت و سود به معنای مادی کلمه خیلی شعار می دهند و تلاش می کنند متوجه می شویم که آنها گرفتار آفتی هستند که به این آفت در آموزه های دینی وجود ندارد و آن این است که نوعی ابزارانگاری نسبت به مناسبات اجتماعی در آنها صورت می گیرد و آنها معتقدند حتی زمانی که لازم است به دیگران نفع برسانند اینها ابزار و وسیله است در خدمت منافع مادی و ظاهری باید قرار گیرد. در حالی که شما توجه دارید که در دین مقدس اسلام چیزی که حکم ابزار و وسیله را پیدا کند قعدتا ابزار و وسیله ای است که آخرت انسانها را تأمین می کند. با توجه به این موارد اعتقاد دارم اگر تمام آحاد جامعه و کسانی که در موقعیتهای و مناصب مدیریتی جامعه هستند به همین مبنا توجه کنند نتیجه کار و اعمالشان می تواند در خدمت آحاد جامعه قرار گیرد و به این ترتیب از طریق همین مناسبات اجتماعی خیر و برکت شامل حال آن مدیر، مسئول و مجموعه شود و جالب این است که ما در تجربیاتی که داشتیم در همین بعد از شکل گیری نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، معلم کبیر انقلاب اسلامی به ما یاد داد که در خصوص منفعت، سود و بهره به معنای جامع و حقیقی کلمه این طوری نگاه کنیم و خودمان را به یک معنا خدمتگزار جامعه بدانیم.

وقتی مرحوم امام(ره) می فرمودند من ترجیح می دهم که عنوان خدمتگزار را در جامعه داشته باشم.(ملاحظه می کنید خدمتگزار یعنی کسی که نفع اش به دیگران می رسد و این نفع در دایره همان معنای جامع سود و نفع که قبلا اشاره کردم قرار می گیرد.) با چنین خصوصیت فکری توانست انقلابی را بنیان بگذارد که آثار و برکاتش را روز به روز گسترده تر ملاحظه می کنیم و جریان و موجی را به وجود آورد که بسیاری از انسانهای آزاده دنیا، انسانهایی که عاشق خداوند و شعارهای الهی و عاشق عدالت به معنایی که در آیات و روایات ذکر شده و عاشق کمالات و شکوفایی انسانها هستند از آبشخور همین موج پربرکت امام راحل(ره) با این مبنای فکری دارند تغذیه می کنند و روز به روز درخت تناور انقلاب در نقاط مختلف عالم بروز و ظهور خود را نشان می دهد و شاخه های پربرکتش گسترش پیدا می کند.

ما به عنوان کسانی که در خط امام(ره) هستیم؛(از کوچکترین افراد جامعه تا بزرگترین و مهمترین شخصیت‌های جامعه) باید از همان شعار و مسلک و تعبیری که امام برای ما ترسیم فرمود تبعیت کنیم و یقین داشته باشیم کسی که با این مبنا در مسیر زندگی فردی و اجتماعی اش حرکت می کند قرین توفیق و نجات خواهد بود.